

قصه پيله كرم ابريشم



پسری یک پيله كرم ابريشم پيدا و آن را با خود به خانه برد. يك روز پيله كمي باز شد. پسر ك ساعت‌ها نشست و پيله را تماشا كرد. پرواز خيلى تلاش می‌كرد تا بدن خود را از شكاف ايجاد شده، خارج كند. به نظر می‌رسيد كه پروانه تمام سعی خود را می‌كند و خسته شده است.

پسری يك پيله كرم ابريشم پيدا و آن را با خود به خانه برد. يك روز پيله كمي باز شد. پسر ك ساعت‌ها نشست و پيله را تماشا كرد. پرواز خيلى تلاش می‌كرد تا بدن خود را از شكاف ايجاد شده، خارج كند. به نظر می‌رسيد كه پروانه تمام سعی خود را می‌كند و خسته شده است.

پسر تصميم گرفت به پرواز كمك كند. او با قيچی پيله را باز كرد و پروانه از آن بيرون آمد. بدن پروانه متورم و بال‌هايش كوچك و چروكيده بودند. چند روز گذشت و پسر دلش می‌خواست پروانه پرواز كند، اما اين اتفاق نیفتاد.

متأسفانه پروانه تا آخر عمرش روی شكم خود می‌خزید و بدن متورمش را به اين طرف و آن طرف می‌كشيد. پسر با نيت خير اين كار را انجام داده بود و نمی‌دانست چرا اين چنین شد؟ پيله‌ی كرم ابريشم محكم بود و سعی و تلاش پروانه برای خروج از آن شكاف باریك، #171;قانون طبيعت؛ بود. برای آنكه آب اضافی از بدن پروانه خارج شود و موفق به رهایی از پيله گردد، بايد اين تلاش را می‌كرد و پيله پاره می‌كرد تا اين آب از بدن پروانه خارج شود؛ آنگاه پروانه می‌توانست به راحتی پرواز كند. بايد بدانيم گاهی تلاش كردن برای زندگی لازم مفيد است.

اگر قرار بود بدون هيچ مانع و مشكلی زندگی را سپری كنيم، ناتوان بوديم و آن چنان كه بايد قوی و محكم نمی‌شديم و البته نمی‌توانستيم پرواز هم بكنيم. پسر عجله كرد و قانون طبيعت را نادیده گرفت؛ اين گونه او به زندگی پروانه صدمه زد. هر زحمت و تلاشی در خود حكمت و رازی را دارد كه بسیاری از ما از آن آگاه نيستيم تنها خداوند دانا راز آن را می‌داند. بهتر است به جای عجله و شتاب‌زدگی، تلاش كنيم تا به بهترین نتيجه برسيم.